خبر

ارسال ۵۴۷ اثر به بخش عکس جشنواره تئاتر فجر

آمار نهایی شرکت‌کنندگان و تعداد آثار حاضر در بخش عکس چهل‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر اعلام شد. بر این اساس، تا پایان روز یکشنبه (نهم آذرماه) برابر با آخرین مهلت ثبت‌نام در بخش عکس جشنواره، مجموع ۱۱۵ هنرمند فرم حضور در این رویداد هنری را ثبت کرده‌اند که از این تعداد ۶۰ هنرمند از تهران و ۵۵ هنرمند از دیگر شهرهای کشور هستند. مجموع تعداد آثار رسیده به دبیرخانه ۵۴۷ اثر اعلام شده است که از این تعداد ۲۸۸ اثر متعلق به تهران و ۲۵۹ اثر از دیگر نقاط کشور است. محمود کلاری، سیامک زمردی‌مطلق و مریم قهرمانی‌زاده داوری آثار رسیده را برعهده خواهند داشت. اعلام برگزیدگان این بخش که مدیریت آن برعهده نیلوفر جوانشیر است، در شهر کرمان همزمان با افتتاحیه جشنواره انجام می‌شود. در فراخوان بخش عکس آمده بود: عکاسی تئاتر، هنری بی‌بدیل با روایتگری از حس و انرژی لحظه‌های نمایشی است. این جشنواره با به‌کارگیری از سایر هنرها و تأکید بر جایگاه اثرگذاری عکس تئاتر، امسال این بخش را با هدف برجسته‌سازی نگاه مستقل و خلاق عکاسان تئاتر برگزار می‌کند.

یادداشت

مدرسه نقد جام جم

سیما بیجاد | هنرجوی مدرسه نقد جام جم

آفرینش بی‌سرپرست

«فرانکشتاین ۲۰۲۵» به‌کارگردانی گی‌یرمو دل‌تورو، اقتباسی حماسی، گوتیک و تخیلی از رمان کلاسیک مری شلی است که رابطه خالق و مخلوق را محور قرار داده و با ترکیب جلوه‌های بصری، موسیقی، میزانسن و تحلیل روان‌شناختی، تجربه‌ای انسانی، عاطفی و تراژیک ارائه می‌دهد. فیلم روایت ویکتور و مخلوق او را دنبال می‌کند و مخاطب را به تامل درباره مسئولیت اخلاقی، تعلق و پیامدهای خلق فرا می‌خواند، بدون این‌که جزئیات داستان لو برود. دل‌تورو برای روایت، یک ساختار سه‌بخشی انتخاب کرده است: بخش قطبی، داستان ویکتور و داستان مخلوق. این تقسیم‌بندی امکان نمایش دیدگاه‌های موازی و تضاد روانی شخصیت‌ها را فراهم می‌کند. بخش قطبی به صحنه‌های آغازین و پایانی در مناظر یخ‌زده و قطبی اشاره دارد که ویکتور توسط خدمه کشتی نجات می‌یابد و مخلوق نیز در همین محیط سرد و یخ‌زده ظاهر می‌شود. این صحنه‌ها تنهایی و طرد مخلوق و بحران اخلاقی ویکتور را بازنمایی می‌کنند. قاب‌بندی از پایین، حرکت آرام دوربین و رنگ‌های سرد باعث می‌شود مخاطب همدلی با مخلوق پیدا کند و تراژدی روانی او ملموس شود. بخش ویکتور بر غرور، وسواس و مسئولیت‌ناپذیری او تمرکز دارد و بخش مخلوق، با فضاهای باز، تضاد میان آزادی ظاهری و طرد اجتماعی را به تصویر می‌کشد. این ساختار با ایجاد یک دیالکتیک بصری و روانی، که پیام اخلاقی فیلم، یعنی مسئولیت و پیامد خلق را تقویت می‌کند. در صحنه آغازین قطبی، مخلوق در میان مناظر یخ‌زده و باد سرد قرار دارد. دوربین با حرکات نرم و قاب‌بندی از پایین، تجربه او از تنهایی و جدایی را به مخاطب منتقل می‌کند. رنگ‌آمیزی سرد و انعکاس برف حس انزوا و طرد اجتماعی را تقویت می‌کند و سکوت محیطی همراه با موسیقی ملودیک آرام، همدلی مخاطب با مخلوق را شکل می‌دهد. این طراحی بصری باعث می‌شود که مخلوق، نه صرفا به عنوان یک هیولا، بلکه به مثابه سوژه‌ای روان‌مند و انسانی درک و تجربه شود. فضای بسته آزمایشگاه ویکتور با خطوط عمودی، سایه‌های سنگین و نور محدود، غرور و وسواس او را منتقل می‌کند. ابزارهای فلزی، سیم‌کشی‌ها و شعله‌های کوچک الکتریکی، حس ناپایداری و ولتاژ اخلاقی خلق را نشان می‌دهند. قاب‌بندی نزدیک متمرکز بر چهره و حرکات بدن او، اضطراب و غرور علمی‌اش را برجسته می‌کند و تضاد مخلوق با محیط باز آشکار می‌شود. بدن مخلوق، با بخیه‌ها و وصله‌های متعدد، تاریخچه خلق و پیامدهای اخلاقی را بازتاب می‌دهد. حرکت او همراه با قاب‌بندی کلوزآپ و نورپردازی سرد، تجربه جهان از دید او را برای مخاطب ملموس می‌کند. هر حرکت بدن و زبان چهره مخلوق حامل بار عاطفی و روانی است و تضاد میان طرد و نیاز به تعلق را تقویت می‌کند. ویکتور نه‌تنها یک دانشمند جاه‌طلب، بلکه فردی است که به‌دلیل غرور و ناتوانی عاطفی، مسئولیت خلق مخلوق را نمی‌پذیرد. خلق مخلوق برای او عملی روان‌شناختی است؛ تلاشی برای بازسازی فقدان یا نقص عاطفی. مخلوق، با وجود ظاهر وصله‌خورده، موجودی خودآگاه است و طرد اجتماعی و عدم پذیرش خالق، بحران وجودی و رشد هویت او را شکل می‌دهد. دل‌تورو نشان می‌دهد که طرد اجتماعی نه فقط انزوا بلکه سوگ وجودی و شکل‌گیری اخلاق فردی را به‌همراه دارد. موسیقی و صداگذاری نقشی کلیدی در انتقال حالت روانی دارند. سکوت محیطی، صدای باد، گام‌های آهسته و صداهای صنعتی و طبیعی، همدلی و تنهایی مخلوق را تشدید می‌کنند. این انتخاب‌ها مخاطب را با مخلوق همراه کرده و عمق روانی تراژدی را قابل لمس می‌سازد. موسیقی ملودیک با ارجاعات گوتیک، حس حماسی، تراژدی و امید را همزمان منتقل می‌کند.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

متن کامل

سراب صدمیلیاردی‌ها

تورم بلیت‌ها آمار فروش را فربه کرده اما واقعیت، سالن‌های کم‌رونق سینماها است

امیرحسین حیدری | گروه فرهنگ و هنر

همیشه یکی از جذاب‌ترین مفاهیم برای ذهن انسان، «ترین»های دنیای اطرافش است؛ از قدیمی‌ترین‌ها و بزرگ‌ترین‌ها گرفته تا همه آن «ترین»های دیگری که هر روز در زندگی‌مان می‌بینیم. یکی از عرصه‌هایی که ترین‌ها در آن خیلی کاربرد دارد سینماست که در آن به عنصری برای جذب مخاطب و تبلیغات تبدیل شده‌اند؛ ترین‌هایی مثل پرخرج‌ترین فیلم، تابیشترین دستمزد و صدالبته فیلم‌هایی که بیشترین فروش را در گیشه تجربه کرده‌اند. سینمای ایران هم از این قاعده مستثنی نیست و چه بسا رکوردهایی در آن وجود دارد که شاید کمتر جایی بتوان آنها را پیدا کرد. یکی از این رکوردها در سینمای ایران باشگاه ۱۰۰میلیاردی‌هاست. یعنی فیلم‌هایی که توانسته‌اند در گیشه به فروش ۱۰۰میلیارد تومان و بیش از آن دست پیدا کنند. در این گزارش سعی داریم وارد این باشگاه شده و با اعضای آن آشنا شویم.

«فسیل» اولین عضو باشگاه

نخستین فیلمی که توانست به فروش ۱۰۰میلیارد تومانی دست پیدا کند «فسیل» به کارگردانی کریم امینی بود که در دوره‌ای خاص و با شرایطی ویژه اکران شد و توانست به این رکورد دست پیدا کند؛ در دوره‌ای که جامعه هنوز خاطره روزهای وحشتناک همه‌گیری کرونا را با این‌که محدودیت‌ها برداشته شده بودند فراموش نکرده بود. «فسیل» در نوروز ۱۴۰۲ اکران شد و تنها پس از پنج هفته، با جذب بیش از دومیلیون و ۳۰۰ هزار تماشاگر و بلیت ۵۰ تا ۶۰ هزار تومانی، اولین فیلم تاریخ سینمای ایران لقب گرفت که فروشش را سه‌رقمی کرد و از مرز صدمیلیارد تومان گذشت. «فسیل» به غیر از این رکورد، رکوردهای دیگری هم ثبت کرد؛ رکوردهایی که تنها مختص به این فیلم هستند. از اکران ۵۳هفته‌ای تا اختصاص بیش از ۱۵۰هزار سانس به آن باعث شد علاوه بر این‌که در جدول پرفروش‌ترین فیلم‌ها با ۳۲۴ میلیارد تومان در رتبه دوم قرار بگیرد بلکه روی سینمای پس از خود هم تاثیر بگذارد طوری که تا امروز شاهد کمدی‌های فسیلی هستیم.

نام دیگر اعضا

پس از فسیل عوامل مختلفی که مهم‌ترین آن افزایش چندباره بلیت سینما (از بلیت‌های ۵۰ تا ۶۰هزار تومانی در سال ۱۴۰۲ تا بلیت‌های ۸۰ تا صد تومانی تا سال ۱۴۰۴) بود باعث شد فیلم‌های بسیاری بتوانند با وجود بلیت کمتر فروخته شده و مخاطب کمتر وارد این باشگاه شوند؛ آثاری که اکنون تعداد آنها به عدد ۱۳ رسیده. این ۱۳فیلم به ترتیب میزان فروش عبارتند از: هفتادسی (۳۶۰میلیارد تومان)، فسیل (۳۲۵میلیارد تومان)، هتل (۲۷۷میلیارد تومان)، تگزاس۳ (۲۴۹میلیارد تومان)، زودپز (۲۳۰میلیارد تومان)، پیرپسر (۱۸۲میلیارد تومان)، مرد عینکی (۱۸۰میلیارد تومان)، تمساح خونی (۱۶۸میلیارد تومان)، دایناسور (۱۵۲میلیارد تومان)، صددام (۱۳۵میلیارد تومان)، صبحانه با زرافه‌ها (۱۲۱میلیارد تومان)، مست عشق (۱۲۰میلیارد تومان) و زن و بچه (۱۰۰میلیارد تومان).

نام‌های تکراری

با نگاهی گذرا به نام‌هایی که در پس این فیلم‌ها قرار گرفته‌اند، می‌بینیم که در این باشگاه ۱۳نفره اسامی پرتکراری دیده می‌شود. برای مثال در بخش کارگردانی، مسعود اطیابی با سه فیلم و کریم امینی با دو فیلم، پرفروش‌ترین کارگردانان این فهرست محسوب می‌شوند. همچنین ابراهیم عامریان با چهار و محمد شایسته با دو تهیه‌کنندگی ازجمله کسانی هستند که نشان داده‌اند در تولید آثار سینمایی اصطلاحا ذائقه مخاطبان را به‌خوبی شناخته‌اند و می‌توانند دست روی پروژه‌هایی بگذارند که سود مالی خوبی برای آنها داشته باشد. علاوه‌براین، تکرار ستاره‌ها در این فیلم‌ها نیز نکته قابل توجهی است؛ نشانه‌ای روشن از تأثیر حضور بازیگران چهره بر گیشه، حتی اگر کیفیت فنی فیلم چندان بالا نباشد. در این میان پژمان جمشیدی با بازی در چهار فیلم، رکورددار است و با توجه به حضور مداوم او در سینمای تجاری، به نظر می‌رسد این رکورد همچنان در دستان او باقی بماند. پس از پژمان جمشیدی، بهرام افشاری با سه فیلم در رده بعدی قرار دارد. نکته جالب اینجاست که یکی از این سه اثر را خود افشاری کارگردانی کرده و همین حضور دوگانه (هم به‌عنوان بازیگر و هم کارگردان) او را در این فهرست متمایز می‌کند. درواقع بهرام افشاری با اولین تجربه کارگردانی‌اش مستقیم به جرگه فیلم‌های صدمیلیاردی راه یافته و همین باعث شده به‌عنوان تنها کسی که هم به‌عنوان بازیگر و هم کارگردان در این باشگاه پول‌ساز حضور دارد، کاملا منحصربه‌فرد باشد. همچنین حضور پریناز ایزدیار در دو فیلم «زن و بچه» و «صددام» ـ که از دو ژانر کاملا متفاوت هستند ـ یکی دیگر از نکات قابل تأمل این فهرست پرفروش‌هاست.

فروش یا مخاطب؛ مسأله این است!

حالا که پرفروش‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران را دیدیم، وقت آن است که با واقعیت روبه‌رو شویم: این فهرست درحقیقت «پرفروش‌ترین» فیلم‌ها نیست، بلکه «سیلی» سینمای ایران به صورت خودش است. چون در هر سینمای سالمی، معیار اصلی «تعداد تماشاگر» است، نه رقم فروش ریالی که به‌شدت تحت تأثیر تورم و شرایط اقتصادی قرار دارد. به‌عنوان‌مثال بیایید نگاهی به سه فیلم اول این لیست بیندازیم: فیلم «هفتاد سی» با مخاطبی نزدیک به شش‌میلیون نفر توانست به فروشی ۳۶۰میلیارد تومانی دست پیدا کند. در مقابل دو فیلم فسیل و هتل که سال قبل از این فیلم اکران شده‌اند، توانستند به ترتیب با هفت‌میلیون و ۴۹۰هزار و ۵۷۹مخاطب و شش‌میلیون و ۲۶۸هزار مخاطب به فروش ۳۲۴ و ۲۷۷ میلیارد تومانی برسند. همین مقایسه سه فیلم اول سینمای ایران از نظر فروش و مخاطب خود نشان‌دهنده اوضاع سینمای ایران است.

سلطه بی‌چون‌وچرای کمدی

نکته دیگر، سلطه بی‌چون‌وچرای ژانر کمدی بر این فهرست است؛ به‌طوری که پنج رتبه نخست همگی کمدی هستند. جالب اینجاست که این کمدی‌های پرفروش نقاط مشترکی دارند که انگار برای ورود به باشگاه صدمیلیاردی‌ها باید یک فرمول نانوشته تکراری را موبه‌مو اجرا کنید.

فیلم‌های کمدی ایرانی همچنان بر مدار کمدی‌های سال‌های دور سینما که بر مبنای چهره‌ها بود می‌چرخد و به همین دلیل است که می‌بینیم یک یا چند بازیگر در فیلم‌های مختلف در موقعیت‌های مختلف قرار می‌گیرند و اصطلاحا این فیلم‌ها به‌جای این‌که فیلمنامه قدرتمندی داشته باشند فیلمنامه در آنها صرفا در خدمت چهره‌ها حرکت می‌کند.

غیرکمدی‌ها چگونه میلیاردی شدند؟

به‌غیر از فیلم‌های کمدی این لیست، نام سه فیلم در ژانرهای غیر از کمدی نیز مجوز ورود به باشگاه صد میلیاردی‌های سینمای ایران را پیدا کرده: فیلم «مست عشق» در ژانر تاریخی و دو فیلم پیرپسر و زن‌وبچه در ژانر درام که حضور هرکدام نشان‌دهنده انتظارات و اتمسفر سینمای ایران است. نخستین مورد، فیلم مست عشق به‌کارگردانی حسن فتحی است؛ اثری تاریخی که در نگاه اول به‌نظر نمی‌آید در چنین سینمایی مورد استقبال قرار بگیرد. مست عشق را می‌توان از آن‌دست فیلم‌هایی در نظر گرفت که نشان‌دهنده انتظارات مخاطبان ایرانی از سینمای ایران است؛ سینمایی که به موضوعات تاریخی و مهم کشور می‌پردازد و جامعه نیز با استقبال از آنها این پیام را به اهالی سینما می‌رساند که به همین مسیر ادامه دهند. اما در عمل سینمای ایران نسبت به این انتظارات منفعلانه عمل می‌کند و بااینکه این سوژه‌ها ظرفیت بالایی برای جذب مخاطب دارند اما سینما نسبت به آنها بی‌تفاوت است.

موفقیت در سایه حواشی

و اما حضور دو فیلم دیگر این لیست، یعنی پیرپسر و زن و بچه، موید اتمسفر حاکم بر فضای سینماست. اگربه روند کلی ژانر درام در سینمای ایران که به‌اشتباه به آن سینمای اجتماعی گفته می‌شود نگاهی بیاندازیم، مشخص می‌شود که معمولا از این ژانر استقبال بالایی نمی‌شود و فیلم‌های این ژانر فروش‌های متوسط و ضعیفی را تجربه می‌کنند. اما چه‌چیزی باعث شده این دو فیلم فروش نسبتا بالایی داشته باشند و حتی پیرپسر در یک برهه ۸۱ روزه رکورددار پرفروش‌ترن در سال ۱۴۰۴ لقب بگیرد؟ به‌عبارت دیگر، آنچه باعث این موفقیت برای این دو فیلم شده، نه صرفا کیفیت محتوای آنهاکه حاشیه‌هایی است که دور این آثار شکل گرفته‌اند «پیرپسر» با مانور تبلیغاتی روی «ممنوعیت اکران» و نمایش محدود در سانس ویژه چهل‌وسومین جشنواره فجر، کنجکاوی و تقاضای عظیمی ایجاد کرد؛ به‌طوری که با شروع اکران عمومی، سیل مخاطبان را به سمت سالن‌های سینما کشاند. البته که مانورهای پیرپسر به همین جا ختم نشد و با حاشیه‌هایی که کارگردان و بازیگران آن در فضای مجازی ایجاد کردند نام این فیلم همچنان بر سر زبان‌ها گشت و فروش آن، مانند دیگر آثار، با شیب تندی سقوط نکرد. البته که درخصوص این فیلم ادعاهایی نیز درباره خالی‌فروشی سالن‌های سینما مطرح شد که گرچه با واکنش عوامل پیرپسر مخصوصا ابراهیم عامریان، پخش‌کننده آن همراه بود اما در نهایت پاسخ روشنی به این ادعاها داده نشد تا این ادعا که صرفا درباره این فیلم هم مطرح نیست همچنان گرهی کور باقی بماند.

مکث

آخرین راه ورود

سعید روستایی با «زن و بچه» نشان داد که گاهی حاشیه حتی از متن هم قوی‌تر عمل می‌کند. این فیلم، اولین اثر رسمی او پس از «برادران لیلا» بود؛ فیلمی که بدون مجوز و به‌صورت زیرزمینی منتشر شد و همین ممنوعیت، کنجکاوی عظیمی به وجود آورد. نتیجه؟ سیل تماشاگرانی که برای دیدن جدیدترین کار روستایی با هر هزینه‌ای به سینما رفتند. علاوه بر این، حضور «ن و بچه در جشنواره کن و اظهارات صریح سعید روستایی درباره نگاه تلخ خود به جامعه ایران، کنجکاوی مخاطبان عادی و حرفه‌ای را برانگیخت و سیل آنها را به سمت سینما کشاند. در نهایت، جهش تورمی قیمت بلیت باعث شد این فیلم آخرین اثری باشد که تاکنون به چنین رقم فروشی دست یافته است. البته پر واضح است که زن و بچه آخرین فیلم این باشگاه صد میلیاردی نیست و با این روند کم‌کم باید شاهد شکل‌گیری کلوب‌هایی با ارقام فروش بالاتر هم باشیم؛ مثلا چیزی مثل باشگاه سیصدمیلیاردی‌ها یا حتی بیشتر!

سینما

اصغر نصیری کارگردان سینما درگذشت

نصیری از سه‌روز قبل به‌دلیل مشکلات شدید تنفسی با وضعیت بحرانی در بخش مراقبت‌های ویژه بستری بود اما با وجود تلاش‌های کادر درمان، ساعت ۱۹ شب ۱۰ آذر جان خود را از دست داد. اصغر نصیری متولد میانه بود و فعالیت سینمایی خود را از دهه ۷۰ آغاز کرد. او نویسنده، تهیه‌کننده، کارگردان، تدوینگر و طراح صحنه آثار بسیاری بوده که مهم‌ترین آثار او در مقام فیلمساز می‌توان به مجروح جنگی (۱۳۷۷)، لکوموتیوران (۱۳۷۹)، آتش بس بیمارستان (۱۳۸۸)، سرزمین من سرسبز بود (۱۳۹۰) و ... اشاره کرد.

رویداد

استعفای بازغی و درخشانی از انجمن بازیگران

رئیس و نایب‌رئیس انجمن بازیگران سینمای ایران، روز گذشته استعفا کردند. پژمان بازغی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که به دلایل شخصی و کاری از سمت ریاست انجمن بازیگران کناره‌گیری کرده است. او نوشت: «اینجانب پژمان بازغی با این اطلاعیه، پس از چند سال، استعفای خود را به دلایل شخصی و کاری از سمت ریاست انجمن بازیگران اعلام می‌کنم. در طول این دوران، تمام تلاشم را به کار گرفتم تا در مسیر ارتقای کیفیت انجمن و حفظ شان و شخصیت اعضا قدم بردارم. همواره به‌عنوان عضوی از خانواده سینما در کنار این انجمن خواهم ایستاد. امیدوارم دوستانم در هیات‌مدیره انجمن، نقشه‌راه روشن و امیدوارانه‌ای را که ترسیم کرده‌اند، به سلامت و موفقیت به انجام برسانند.» سام درخشانی نیز در پیامی کوتاه نوشت: «در پی استعفای آقای پژمان بازغی، رئیس انجمن بازیگران، اینجانب سام درخشانی (نایب‌رئیس انجمن بازیگران) بدین‌وسیله استعفای خود را اعلام می‌دارم.»

موسیقی

برگزاری کنسرت «حنجره زخمی زاگرس»

تازه‌ترین کنسرت ایرج رحمانپور مشهور به «حنجره زخمی زاگرس» با گروه موسیقی راهو به سرپرستی سبحان امرایی و خوانندگی او، روز پنجشنبه ۱۳آذر ساعت ۲۱:۳۰ در تالار وحدت تهران برگزار می‌شود. در این کنسرت قطعاتی از موسیقی لرستان با شعر و آهنگسازی ایرج رحمانپور و تنظیم‌کنندگی علیرضا کاظمی پیش روی مخاطبان قرار می‌گیرد. سبحان امرایی (کمانچه)، علیرضا کاظمی (سنتور)، کسری زرین قلم (کمانچه)، محمد جمشیدی (سازهای کوبه‌ای)، پویان جمشیدی (دف)، حسین مرادی (تنبک)، علی انواری (سرنا)، جواد خنجریان (تار) و سجاد همتی (همخوان) اعضای گروه راهو را تشکیل می‌دهند. بن‌مایه آوازهای رحمانپور را «هوره» و «مویه» است. او از موسیقی کار، آیین‌های نمایشی، موسیقی سوگ، موسیقی جشن، حماسه، لالایی‌ها و اسطوره‌ها بهره می‌برد. رحمانپور موسیقی قدیمی و ملودی‌های فولکلور را با جریان‌های اجتماعی و سیاسی تاریخ معاصر تلفیق کرده است.

رویداد

رونمایی از پوستر «سینماحقیقت ۱۹»

پوستر نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران، «سینماحقیقت» با تاکید بر نگاهی نو، جسورانه و ملهم از فرهنگ ایرانی رونمایی شد. این مراسم با حضور حسین ترابی مستندساز باسابقه، مهرداد زاهدیان رئیس انجمن صنفی کارگردانان سینمای مستند، سیدعلیرضا حسینی عضو انجمن صنفی تهیه‌کنندگان سینمای مستند، فیما امامی مستندساز و عضو شورای سیاست‌گذاری جشنواره سینماحقیقت و کتایون جهانگیری کارگردان سینمای مستند برگزار شد. محمد حمیدی‌مقدم، دبیر نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران، سینماحقیقت در آغاز این مراسم گفت: رنگ‌های ثابت ما در سال‌های اخیر و پس از سال ۹۸ و بعد از مدیریت هنری آقای رضا عابدینی، سبز و نارنجی بود، رنگ‌ها و طرح‌هایی که به مرور زمان موجب شناسایی جشنواره «سینماحقیقت» شده است.